

# جین آستین

## إِما

ترجمہ

رضارضایی



نشرنی

## فهرست مطالب

سخن مترجم .....	۷
بخش اول (فصل‌های ۱ تا ۱۸) .....	۹
بخش دوم (فصل‌های ۱ تا ۱۸) .....	۱۷۷
بخش سوم (فصل‌های ۱ تا ۱۹) .....	۳۶۱
فهرست نام‌ها .....	۵۵۷



## سخن مترجم

جین آستین در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ در استیونتن، همپشر، جنوب شرقی انگلستان، به دنیا آمد. او هفتمین فرزند یک کشیش ناحیه بود. در سال ۱۸۰۱ که پدرش بازنشسته شد، خانواده آستین به بث نقل مکان کرد. پدر در سال ۱۸۰۵ از دنیا رفت و جین آستین و مادرش چندبار نقل مکان کردند، تا سرانجام در سال ۱۸۰۹ در نزدیکی التن در همپشر ماندگار شدند. جین آستین در همین محل ماند و فقط چندبار به لندن سفر کرد. در مه ۱۸۱۷ به سبب بیماری به وینچستر کوچ کرد تا نزدیک پزشکش باشد، و در ۸ ژوئیه ۱۸۱۷ همان جا درگذشت.

جین آستین نوشتن را از نوجوانی آغاز کرد. قبل از انتشار آثارش بارها در آن‌ها دست می‌برد و بازبینی‌شان می‌کرد. چهار رمان عقل و احساس، غرور و تعصب، منسفیلد پارک و اما به ترتیب در سال‌های ۱۸۱۱، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴ و ۱۸۱۶، یعنی در زمان حیات جین آستین منتشر شدند. رمان‌های نورثنگراپی و ترغیب در سال ۱۸۱۸، یعنی بعد از مرگ نویسنده، به چاپ رسیدند. دو اثر به نام‌های لیدی سوزان و واتسن‌ها (ناتمام) نیز از کارهای اولیه جین آستین باقی مانده است. او پیش از مرگ مشغول نوشتن زمانی به نام سندیتن بود که قسمت‌های پراکنده آن در دست است. جین آستین در محیطی نسبتاً منزوی زندگی کرد و اوقات خود را بیشتر به نوشتن گذراند. به نظر نقادان، او نبوغی دووجهی داشت: هم طنز قدرتمندی داشت و هم اخلاقیات و روحیات آدم‌ها را خوب

می‌شناخت. این دو وجه در نوشته‌های او نیز تجلی یافته است. زندگی اجتماعی و خانواگی محملی است که نویسنده به کمک آن، با ژرف‌اندیشی، دربارهٔ انسان‌ها و روابط آن‌ها قضاوت می‌کند و نظر می‌دهد.

رمان‌های جین آستین از پرخواننده‌ترین آثار در ادبیات جهان‌اند و حدود دویست سال است که نسل‌های پیاپی با کشش و علاقهٔ روزافزون رمان‌های او را می‌خوانند. اِما در سال ۱۸۱۶ منتشر شد (به احتمال زیاد در ۲۳ دسامبر ۱۸۱۵ از چاپ درآمد). قهرمان اصلی این رمان دختری است «خیال‌باف»، باهوش و جذاب که مدام آدم‌های دور و بر خود را درگیر ماجراهای عاشقانه می‌انگارد ولی خودش را از «خطر» ازدواج در امان می‌داند. در این رمان طنزآمیز، خیالات به تدریج جای خود را به واقعیات می‌دهند و....

متنی که مترجم مبنای کار قرار داده است همان نسخهٔ سال ۱۸۱۶ است که بعدها ویراستاران و نقادان در آن اصلاحاتی اعمال کرده‌اند.

امیدوارم این ترجمه نیز مانند سه ترجمهٔ قبلی (عقل و احساس، غرور و تعصب و منسفیلدپارک) مورد استفادهٔ دوستداران ادبیات قرار بگیرد و دلگرمی مترجم و ناشر برای ترجمه و انتشار دو رمان دیگر جین آستین (نورثنگر اِبی و ترغیب) افزایش یابد و این پروژه به سرانجام برسد.

از مدیریت و کارکنان نشر نی که کتاب را به شکل شایسته‌ای تولید کرده‌اند و از همهٔ کسانی که مشوق من بوده‌اند و به بهبود متن ترجمه کمک کرده‌اند، بخصوص از سرکار خانم مونا سیف که کل متن ترجمه را خواندند و پیشنهادهای مفیدی دادند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

رضا رضایی

زمستان ۱۳۸۵



## فصل ۱

اما وودهاس دختر جذاب و باهوش و ثروتمندی بود، خانه راحتی داشت، شاد بود، و خلاصه از نعمات و مواهب زندگی اصلاً بی نصیب نبود. بیست و یک سال در این دنیا زندگی کرده بود بدون آنکه طعم اضطراب و ناراحتی را زیاد چشیده باشد.

او دختر دوم پدری مهربان و سهل‌گیر بود. بعد از ازدواج خواهرش، خیلی زود بانوی خانه پدری شده بود. مادرش مدت‌ها پیش از دنیا رفته بود و اما فقط خاطرات مبهمی از ناز و نوازش‌های او داشت. جای خالی مادرش را زن خوبی پر کرده بود که معلمه‌اش بود و در محبت و عاطفه دست‌کمی از مادر نداشت.

دوشیزه تیلر شانزده سال با خانواده آقای وودهاس زندگی کرده بود. نه فقط معلمه بلکه دوست به حساب می‌آمد. خیلی هم به هر دو دختر خانواده علاقه داشت، بخصوص به اما. بین آن‌ها بیشتر نوعی صمیمیت خواهرانه شکل گرفته بود. دوشیزه تیلر همان زمان هم که رسماً معلمه بود به خاطر خلق و خوی ملایمش اصلاً سختگیری نمی‌کرد. حالا هم که دیگر مدت‌ها بود آن حال و هوای رسمی از بین رفته بود، این دو نفر مثل دو دوست با هم زندگی می‌کردند که خیلی به هم وابسته‌اند، و اما هر کاری که دلش